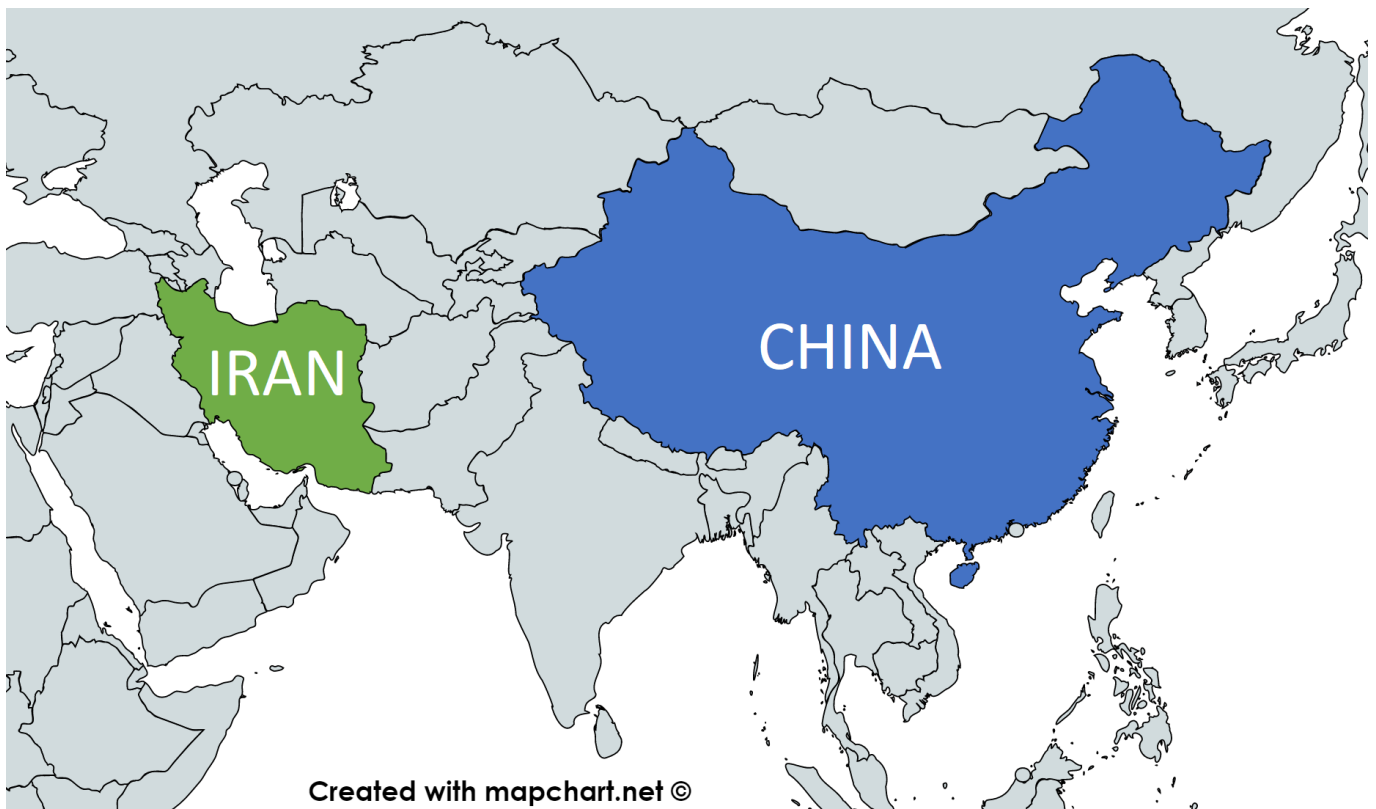


وابستگی فزاینده ایران به چین

نویسنده: آکس یاکوبیان^۱
مترجم: ب. بی‌نیاز (داریوش)

از زمان اعمال تحریم‌های اقتصادی تنبیهی علیه ایران در نوامبر ۲۰۱۸، مناسبات تجاری دیرین میان ایران و چین ژرف‌تر گردید. وانگ یی (Wang Yi)، رئیس شورای دولتی جمهوری خلق چین، طی دیدار خود در سال ۲۰۱۹ از ایران، این دو کشور را «همکاران استراتژی جامع» نامید. هر دو کشور در مارس ۲۰۲۰ یک توافق ۲۵ ساله برای همکاری‌های امنیتی و اقتصادی امضا کردند. محمد جواد ظریف پس از امضای این توافق‌نامه اعلام کرد که «چین یک دوست برای روزهای سخت است».

بازرگانی میان این دو کشور دست کم به ۲۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد. پیوندهای فرهنگی و اقتصادی ایران و چین از طریق راه ابریشم کهن توسعه یافت. در سده ۱۳ میلادی هر دو کشور توسط امپراتوری مغول‌ها اشغال شد. این دو کشور که بیش از دو هزار سال توسط سلسله‌های متوالی فرمانروایی می‌شدند در سده ۲۰ با انقلاب روبرو شدند: چین در سال ۱۹۴۹ و ایران در سال ۱۹۷۹. این دو انقلاب چهره آسیا را تغییر داد و نظم جهانی تحت حاکمیت غرب را به چالش کشید.

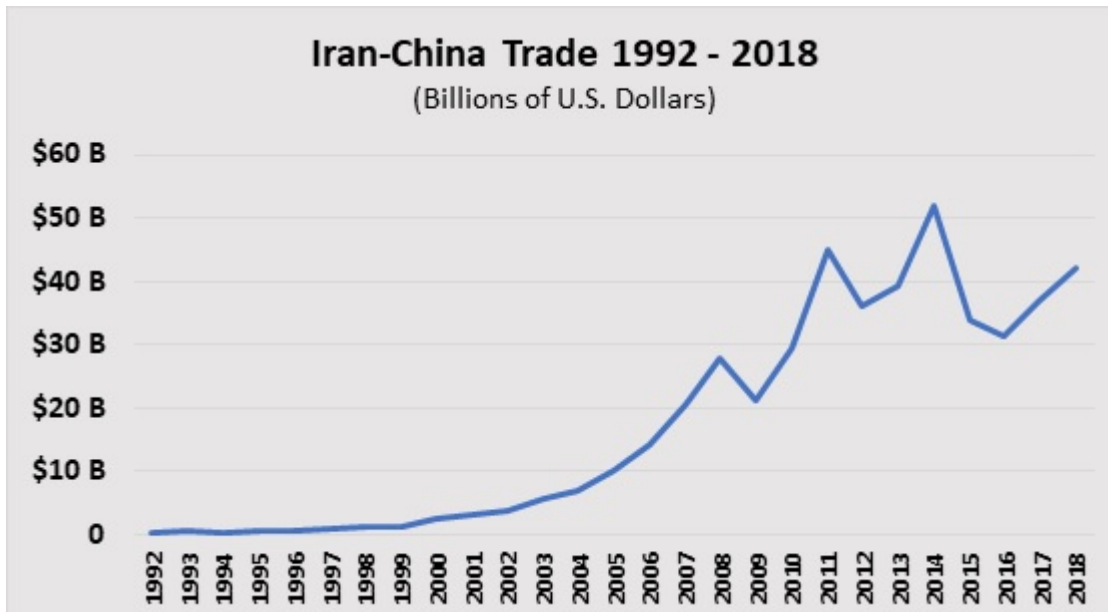


گسست مناسبات دیپلماتیک میان ایران و ایالات متحد آمریکا در سال ۱۹۸۰ پس از اشغال سفارت آمریکا در تهران، شرایط نوینی برای پکن و تهران بوجود آورد تا دوباره روابط خود را محکم و استوار کنند، هم از لحاظ اقتصادی و هم استراتژیکی. در سال‌های هفتاد سده بیستم، پیش از انقلاب اسلامی، صادرات نفت ایران عمدتاً به اروپای غربی و ایالات متحد آمریکا جاری می‌شد که بهای نفت پس از جنگ ۱۹۷۳ در خاورمیانه چهار برابر شد. در سال ۱۹۷۴ تولید نفت خام روزانه ایران به ۶ میلیون بشکه در روز رسید. این وضعیت پس از سقوط شاه کاملاً تغییر کرد.

^۱ این نوشته در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۹ نوشته و در ۲۳ آگوست ۲۰۲۱ به‌روز شد. منبع:

<https://iranprimer.usip.org/blog/2019/sep/11/irans-increasing-reliance-china>

پس از انقلاب اسلامی، چین برای ایران به یک متحد تبدیل گردید تا در مواجهه با نفوذ آمریکا در مرزهایش در خاور میانه و آسیای جنوبی در کنارش باشد. ولی چین به ایران به عنوان یک منبع انرژی مهم نیز می‌نگریست تا بتواند نیازهای صنایع روبه‌رشد و جمعیت فزاینده‌اش را برآورده کند. از سوی دیگر ایران برای چین به معنی نفوذ در خلیج فارس نیز بود. مناسبات این دو کشور در این چهار دهه، طی سه مرحله شکل گرفت: همکاری نظامی در طی جنگ هشت ساله ایران و عراق، همکاری در حوزه انرژی در سال‌های ۹۰ سده گذشته وقتی چین به سرعت در حال صنعتی شدن بود و سرانجام تجارت نفت در مخالفت با تحریم‌ها.



مرحله ۱: جنگ ایران و عراق

جنگ ایران و عراق میان سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ یک نیروی کلیدی در ژرف شدن مناسبات ایران و چین بود. کشورهای غربی که در گذشته به شاه هواپیماهای جنگی و تجهیزات نظامی می‌فروختند، حالا ایران را تحریم تسلیحاتی کردند. ایران هم به نوبه خود به کشورهای غیرغربی رو آورد، مانند چین، کره شمالی و روسیه تا انبار تسلیحات خود را دوباره پر کند.

جنگ ایران و عراق مصادف شد با اصلاحات اقتصادی رهبر جدید چین، دنگ ژیاوپینگ، که در دسامبر ۱۹۷۸ آغاز گردید. برای دستیابی به ارزش خارجی، ژیاوپینگ فرمان داد که هر چه بیشتر سلاح به کشورهای جهان سوم فروخته شود. از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۵، پکن ۶.۳ میلیارد دلار تسلیحات در کل جهان به فروش رساند. ۹۵ درصد فروش‌هایش، صادرات به خاور میانه و آسیای جنوبی بود. چین به بزرگ‌ترین منبع اسلحه جمهوری اسلامی در طی جنگ گردید. در سال ۱۹۸۳، پکن ۴۴۴ میلیون دلار به تهران تسلیحات نظامی فروخت.

چین در کل ۲۲٪ تجهیزات نظامی ایران را تأمین می‌کرد که شامل موشک‌های ضدکشتی، موشک‌های زمین به هوا، واحدهای توپخانه، تانک و رادار، همچنین اسلحه‌های کوچک و مهمات بود. تجهیزات چینی باعث شد که ایران بتواند خیلی سریع کمبودهایش را جبران کند و قاطعانه به جنگ ادامه بدهد. در پایان این جنگ هشت ساله، چین به ایران حدود **۳.۳ میلیارد** اسلحه فروخت.

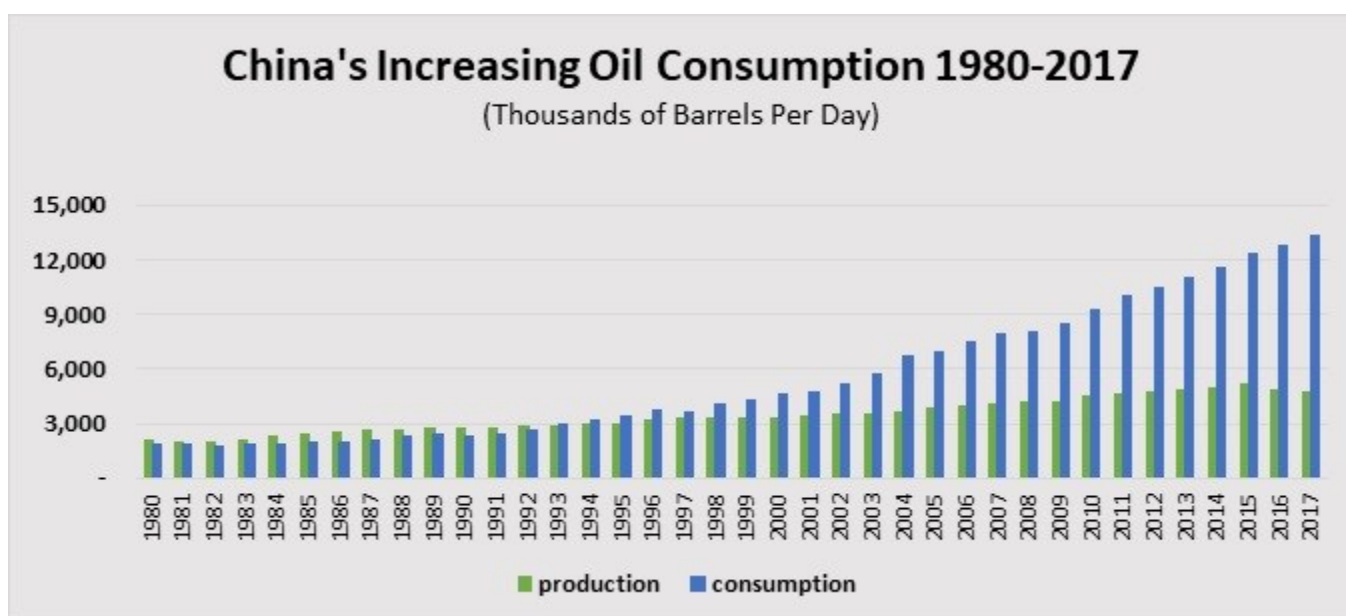
مرحله ۲: صنعتی شدن چین

پس از پایان جنگ در سال ۱۹۸۸، روابط تجاری میان ایران و چین از تسلیحات به نفت و انرژی تغییر یافت. در سال ۱۹۸۹ چین به ایران ۶۸ میلیون دلار اسلحه فروخت — یک کاهش ۸۹ درصدی در مقایسه با ۶۱۲ میلیون دلار در سال ۱۹۸۷. از آن پس، ایران عمدتاً نفت و فراورده‌های نفتی به چین می‌فروخت؛ چین هم در برابر نفت، به ایران کالاهای مصرفی مانند لباس، انواع خودرو، ابزار الکترونیکی، مواد شیمیایی، وسایل خانگی و تجهیزات مخابراتی می‌فروخت.

در آغاز دهه ۹۰ سده بیستم، چین یک دوره از رشد سریع اقتصادی و صنعتی شدن را تجربه می‌کرد. در سال ۱۹۹۳ چین عملاً به کشوری تبدیل گردید که واردات نفت را برای برآوردن نیازهای رو به رشد صنایع‌اش انجام می‌داد. در سال ۱۹۹۰ چین روزانه ۲.۳ میلیون بشکه

نفت مصرف کرد. در سال ۲۰۰۰ نیاز روزانه چین به نفت به ۴.۷ میلیون بشکه افزایش یافت. چین به طور فزاینده‌ای به بازارهای خاور میانه و آسیای جنوب شرقی - به ویژه بازارهای دست‌نخورده‌ای که لزومی به رقابت با کشورهای غربی را نداشت - رو آورد تا بتواند نیازهای نفتی خود را برآورده سازد. ایران دارای منابع طبیعی فراوانی است، بازاری که غرب عملاً آن را از سال ۱۹۷۹ ترک کرده بود. تجارت متقابل میان ایران و چین باعث شد که حجم مبادلات از ۴۰۰ میلیون در سال ۱۹۹۰ به یک میلیارد دلار در سال ۱۹۹۷ افزایش یابد که اساساً به دلیل افزایش تجارت انرژی [نفت] بود. میان سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۲، واردات نفت چین از ایران میان ۹ و ۱۴ درصد کل واردات انرژی آن کشور را تشکیل می‌داد.

ولی پس از تحریم‌های ایالات متحد آمریکا و سازمان ملل در سال ۲۰۱۰، حوزه نفت ایران هر چه بیشتر وابسته به چین گردید. در سال ۲۰۰۰ فقط ۵ درصد کل نفت ایران راهی چین می‌شد؛ در سال ۲۰۱۱ ایران ۲۵ درصد نفت صادراتی خود را روانه چین می‌کرد. در همین راستا، چین به سرمایه‌گذار عمده در حوزه نفت و گاز ایران تبدیل شد که البته این روند به دلیل تحریم‌های آمریکا و جهانی بود که موجب شد ایران نتواند به سرمایه و فناوری‌های خارجی برای توسعه بخش انرژی خود دسترسی داشته باشد. در سال ۲۰۱۹ چین روزانه ۱۲.۸ میلیون بشکه نفت یا ۱۳ درصد کل مصرف جهانی را به خود اختصاص داد.



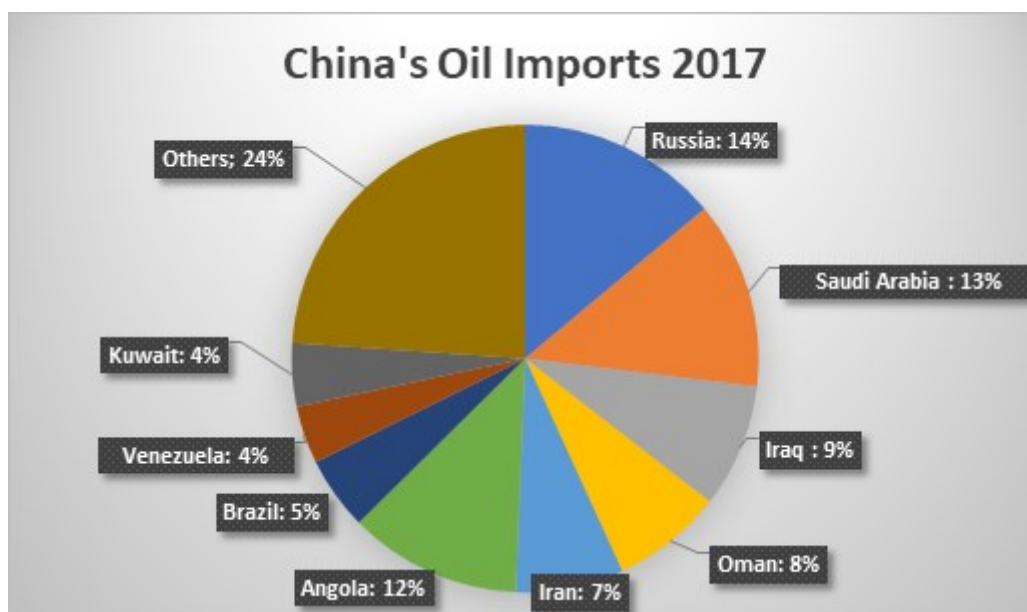
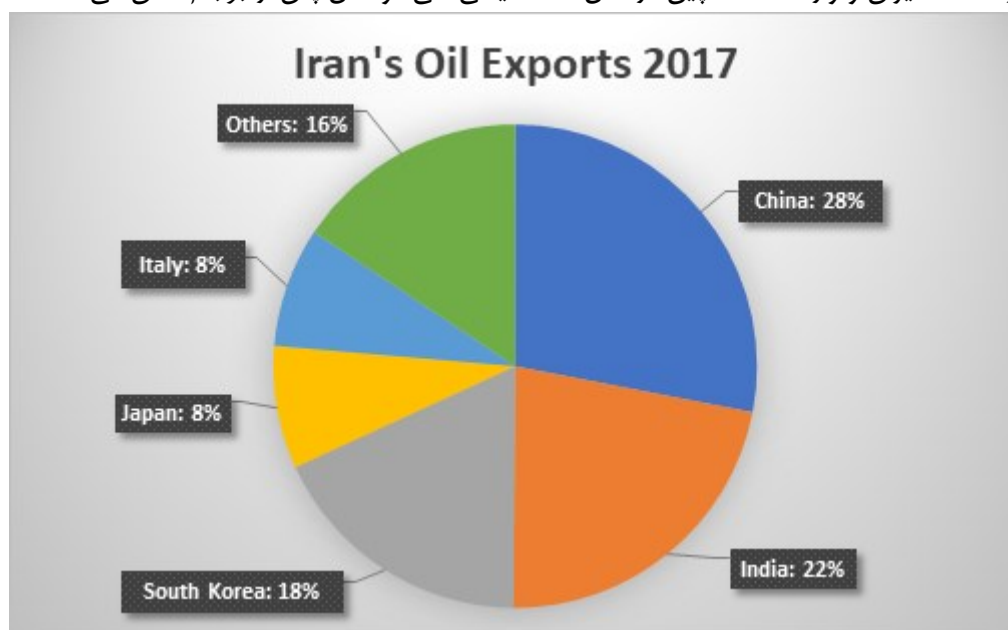
مرحله ۳: دوره تحریم‌ها

در سال ۲۰۱۰ ایالات متحد آمریکا و سازمان ملل به دلیل نگرانی از ساخت بمب اتمی تحریم‌های سختی علیه حوزه‌های انرژی اتمی و انرژی فسیلی اعمال کردند. در این میان چین تلاش می‌کرد که از یک سو تجارت با ایران را نگه دارد و از سوی دیگر می‌کوشید که مقررات مربوط به این محدودیت‌ها را رعایت نماید. البته ایران هم به نوبه خود به سرمایه‌گذاری چین نیاز داشت تا از انزوای اقتصادی بیرون بیاید. در سال ۲۰۱۰ در ایران - کشوری که سالانه تقریباً یک میلیون نفر به جمعیت افزوده می‌شد - نرخ بیکاری، طبق آمار رسمی، به ۱۵ درصد رسید که البته تخمین‌های غیررسمی بسیار بالاتر است.

در اکتبر ۲۰۱۰ چین به طور غیررسمی به شرکت‌هایش اعلام کرد که برای پرهیز از تحریم‌های آمریکا علیه شرکت‌های چینی حوزه انرژی، پروژه‌های توسعه در ایران را کاهش دهند. به دنبال آن، شرکت ملی نفت چین (CNPC) پروژه استخراج نفت در پارس جنوبی را به تأخیر انداخت که باعث شد، ایران هم به نوبه خود چین را در برابر این تصمیم قرار دهد که چین یا پروژه را به سرعت ادامه دهد یا ایران قرارداد را فسخ خواهد کرد. سرانجام ایران در سال ۲۰۱۱ قرارداد توسعه **پارس جنوبی** را لغو کرد. بدین ترتیب، شرکت ملی نفت چین فاز دوم یک قرارداد از سال ۲۰۰۷ حفظ کرد تا بتواند پروژه میدان نفتی **یادآوران** را تکمیل کند.

علیرغم تحریم‌ها، البته هنوز پکن به خرید مقادیر هنگفتی از نفت ایران ادامه می‌داد. در سال ۲۰۱۱، شرکت ملی نفت چین یک قرارداد امضا کرد که طبق آن، چین روزانه ۹۰۰۰۰ بشکه نفت سبک وارد کند. ایران نیز به نوبه خود با تغییر نام و پرچم کشتی‌هایش، مخفیانه به چین و دیگر کشورهای آسیایی نفت صادر می‌کرد. تا جولای ۲۰۱۲، ایران بیش از ۶۰ تانکر نفت خود را - حدود دوسوم ناوگان نفتکش‌اش - برای این نقل و انتقالات مخفیانه به کار گرفت. این نفتکش‌ها که بیش از ۴۰ میلیون بشکه حمل می‌کردند روی آبهای آزاد پرسه می‌زدند تا مشتری پیدا شوند.

تحت فشار فزاینده اقتصادی، ایران میان ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ با شش قدرت عمده جهانی وارد مذاکره شد تا درباره محدودیت‌های برنامه اتمی آن و کاهش تحریم‌ها گفتگو کند. پیامد این مذاکرات، توافق هسته‌ای «برجام» (برنامه جامع اقدام مشترک) بود که منجر به برداشتن تحریم‌های ایالات متحده آمریکا، اروپا و سازمان ملل در سال ۲۰۱۶ گردید. تا سپتامبر ۲۰۱۶، ایران روزانه ۱.۷ میلیون بشکه نفت صادر می‌کرد؛ حدود ۴۱ درصد از این نفت - چیزی حدود ۷۰۰۰۰۰ بشکه روزانه - روانه چین می‌شد. دو نمودار زیر صادرات نفت ایران و واردات نفت چین در سال ۲۰۱۷ یعنی طی دو سال پس از برجام نشان می‌دهد:

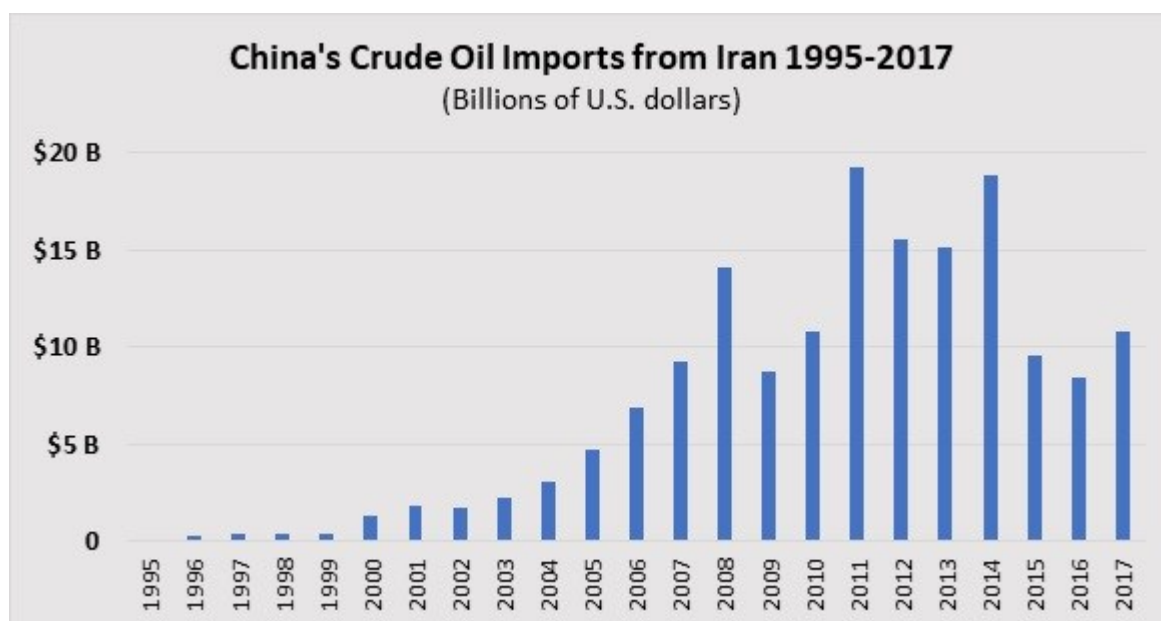


در ماه می ۲۰۱۸ دولت ترامپ از توافق هسته‌ای بیرون رفت. در همین زمان، ایران روزانه ۲.۷ میلیون بشکه نفت صادر می‌کرد که ۷۷۵۰۰۰ بشکه روزانه یا به عبارتی ۲۹ درصد آن روانه چین می‌شد. این حرکت ایالات متحده آمریکا - و خطر تحریم‌های نوین - یک

تأثیر فوری داشت. صادرات نفت ایران طی چهار ماه به نصف کاهش یافت و به موازات آن ایران در تلاش برای یافتن مشتریان جدید بود. تا سپتامبر ۲۰۱۸، صادرات نفت جمهوری اسلامی کلاً به ۱.۳ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. چین روزانه ۳۳۳۳۰۰ بشکه نفت از ایران وارد می‌کرد، یعنی کمتر از نصف مقدار خریداری شده در ماه می. به علت عقب کشیدن خریداران دیگر، حالا فروش نفت ایران به یک چهارم تقلیل یافت (حدود ۲۶ درصد). رهبر جمهوری اسلامی، خامنه‌ای، در اکتبر اظهار داشت: «نگاه ما [در سیاست خارجی] باید به شرق باشد، نه به غرب. امید بستن به غرب یا اروپا ما را تحقیر می‌کند، مثل این می‌ماند که ما التماس می‌کنیم و آنها هم هیچ کاری انجام نمی‌دهند.»

در نوامبر ۲۰۱۸، ایالات متحد آمریکا دوباره یک سلسله تحریم‌ها اعمال کرد و تلاش کرد تا صادرات نفت ایران را به صفر برساند. آمریکا همچنین تهدید کرد، شرکت‌های خارجی و کشورهایی که به تجارت با ایران ادامه می‌دهند مورد تحریم قرار خواهند گرفت. در مارس ۲۰۱۹، ۷۶ درصد کل صادرات نفت ایران روانه آسیا شد. بخش عمده به چین، کره جنوبی، هند، ترکیه و ژاپن صادر شد. البته برای چین یک فرجه شش ماهه «معافیت» تضمین گردید و به آن کشور اجازه داده شد که فارغ از تدابیر تنبیهی، روزانه از ایران ۳۶۰۰۰۰ بشکه نفت خریداری کند.

در می ۲۰۱۹، فرجه خرید نفت چین به پایان رسید. با این وجود چین جسورانه به واردات نفت خام از ایران ادامه داد، اگرچه این تحریم‌ها مناسبات متقابل این دو کشور را شدیداً تحت تأثیر قرار داده بود. شرکت‌های چینی به دلیل ترس از جریمه‌های مالی به خاطر تجارت با ایران با تردید بیشتری گام برمی‌داشتند. در جون ۲۰۱۹، چین روزانه فقط ۲۱۰۰۰۰ بشکه نفت از ایران وارد کرد- پایین‌ترین سطح در یک دهه و ۶۰ درصد زیر مقداری که در جون ۲۰۱۸ وارد کرده بود.



به پایان رسیدن فرجه خرید چین یک تأثیر فوری هم داشت؛ اقتصاد ایران شدیداً زیر فشار قرار گرفت. تا جولای ۲۰۱۹، کل صادرات نفت ایران به روزانه ۱۰۰۰۰۰ بشکه کاهش یافت، یعنی بسیار پایین‌تر از ۴۰۰۰۰۰ بشکه در روز در ماه پیش از آن. حتا چین هم مجبور شد که برنامه خرید نفت خود را تغییر بدهد. این کشور واردات نفت خود را از **عربستان سعودی** نسبت به سال گذشته دو برابر کرد. پکن در ماه جولای ۱۰۸ میلیون بشکه در روز از عربستان سعودی وارد کرد که همین در آگوست ۲۰۱۸ به ۹۲۱۸۱۱ بشکه در روز رسید.

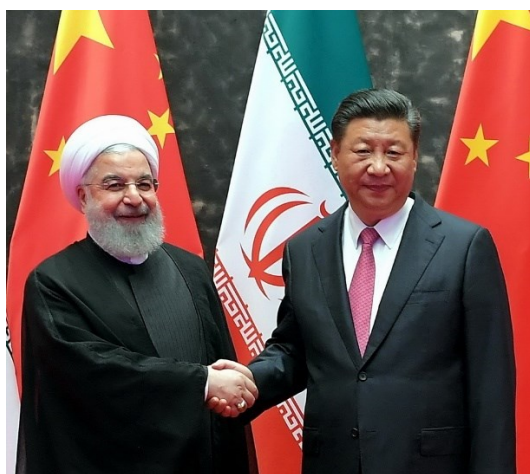
در این میان، تهران برای دور زدن تحریم‌ها دست به خلاقیت‌هایی زد. در ژانویه ۲۰۱۹، ایران برای خریداران آسیایی نفت یک تخفیف قابل گردید و قیمت هر بشکه نفت سبک را **یک دلار** کاهش داد، یعنی هر بشکه تقریباً ۳۰ سنت ارزان‌تر از نفت خام عربستان سعودی. این بزرگ‌ترین تخفیف ایران علیه قیمت نفت عربستان سعودی در طی یک دهه بود.

دور زدن تحریم‌ها

ایران برای شکستن تحریم‌ها و فروش نفت‌اش، وارد یک سلسله ترفندبازی‌ها و حيله‌گری‌های مالی شد. بدین ترتیب، کشتی‌هایی که نفت ایران را حمل می‌کردند به سختی قابل رهگیری بودند، زیرا که طبق گزارشات برخی از نفتکش‌ها سیستم‌های شناسایی خود را که توسط سازمان بین‌المللی دریانوردی برای ردیابی حرکت کشتی استفاده می‌شود خاموش می‌کردند. برخی از کشتی‌های ایرانی به هنگام نزدیک شدن به بندر خریدار موقعیت خود را اعلام نمی‌کردند. برخی دیگر از نفتکش‌ها که نفت ایران را حمل می‌کردند نام و شماره شناسه خود را تغییر می‌دادند تا از بازرسی پرهیز نمایند.

پس از این که آمریکا دوباره در سال ۲۰۱۸ تحریم‌ها را اعمال کرد، طبق گزارش‌ها ایران نفت خود را در انبارهای گمرک بنادر جینژو، هویژو و تیانجین نگهداری می‌کرد. طبق گزارش نیویورک تایمز، میان ۲ می و ۳ اگوست ۲۰۱۹، شش نفتکش ایرانی مقادیر نامشخصی از نفت خام در بندر تیانجین و جینجو تخلیه کردند. نفت‌های نگهداری شده در انبار گمرک‌ها نه در دفترهای گمرک محلی و نه در داده‌های گمرکی چین به ثبت رسیده است. از آنجا که بیشتر این نفت هنوز در مالکیت ایران است، تهران عملاً از لحاظ فنی [حقوقی]، تحریم‌ها را نقض نمی‌کرد.

نگهداری نفت در انبارهای گمرک به ایران اجازه می‌داد که سر فرصت به دنبال خریدار در آسیا بگردد بدون آن که مجبور باشد تعرفه‌های گمرکی یا دیگر تعهدات مالی را بپردازد. این روند [جای دادن نفتکش‌ها در گمرک بنادر] به تهران اجازه می‌داد که ذخیره‌های نفتی در نفتکش‌ها در دریا را کاهش بدهد و با خیال راحت به دنبال خریدار باشد. طبق گزارش‌ها، ذخیره نفت خام در بندر جینژو تقریباً دو برابر گردید - طبق داده‌های شرکت خدماتی رفینیتیو (Refinitiv) طی شش هفته یعنی از میانه ماه جون تا پایان جولای از ۳.۲ میلیون بشکه به ۶ میلیون بشکه رسید. تحلیلگران پیش‌بینی کرده‌اند که اگر میلیون‌ها بشکه نفت ذخیره شده ایران وارد بازار شود، قیمت نفت جهانی کاهش خواهد یافت.



تا سال ۲۰۲۱، انتقال نفت ایران به چین به سطح دوره پیش از تحریم‌ها رسید. ایران میان نوامبر ۲۰۲۰ و مارس ۲۰۲۱، طبق گزارش رویترز، بیش از نیم میلیون بشکه نفت خام روزانه به چین ارسال می‌کرد. این ارسالی‌ها کلاً ۵ درصد واردات نفت خام چین را تشکیل می‌دهند. ظاهراً ایران برای مخفی نگه داشتن صادرات نفت به چین از میانجی‌های سوم مانند عمان، مالزی و امارات متحد عربی نیز استفاده می‌کند.

تحریم‌های هدفمند آمریکا

تحریم‌های آمریکا علیه ایران، یکجانبه است؛ ایران از لحاظ فنی [حقوقی] هنوز می‌تواند نفت‌اش را به کشورهای دیگر بفروشد. ولی آمریکا کشورها را تهدید کرد - حتا کشورهای طرف برجام در سال ۲۰۱۵ نیز مشمول آن هستند - که از ایران [نفت] خریداری نکنند وگرنه آن‌ها نیز با تحریم‌های مشابه روبرو خواهند شد.

پس از سرپیچی چین از تحریم‌ها علیه ایران، آمریکا تدابیر تنبیهی علیه چین صورت داد. در ۲۲ جولای واشینگتن تحریم‌هایی را علیه شرکت چینی ژوهای ژنرونگ (Zhuhai Zhenrong) که یک شرکت دولتی در حوزه انرژی است اعمال کرد با این استدلال که این شرکت «آگاهانه در معاملات مهم برای خرید یا تهیه نفت خام از ایران دست داشته است». این تحریم‌ها نخستین اقدام دولت ترامپ علیه یک شرکت چینی به دلیل خرید نفت ایران بود. به عبارتی، دولت ترامپ یک شبکه «نفت برای ترور» را مورد هدف قرار داد البته با این استدلال که قاچاق نفت به سوریه و چین با امتیازات مالی برای سپاه پاسداران گره خورده است.

در جولای ۲۰۱۹، پکن تحریم‌های آمریکا علیه شرکت‌های چینی را به عنوان «صلاحیت قضایی خارج از محدوده ملی» محکوم کرد و اعلام کرد که «با تمام قوا از حقوق برحق و منافع شرکت‌هایش محافظت می‌کند». ایران هم به نوبه خود از همه متحدانش درخواست کرد که علیرغم فشار آمریکا، نفت ایران را خریداری کنند. معاون رئیس جمهوری، اسحاق جهانگیری، در ۲۹ جولای به یکی از دیپلمات‌های چینی که از ایران دیدن می‌کردند گفت: «حتا اگر ما از این آگاه باشیم که کشورهای دوست مانند چین با برخی محدودیت‌ها روبرو می‌شوند، انتظار ما از آنها این است که در خرید نفت از ایران فعال تر باشند».

در سپتامبر ۲۰۱۹، وزارت خزانه‌داری ایالات متحد آمریکا تحریم‌های دیگری را برای پنج شرکت و شش فرد چینی به دلیل خرید نفت از ایران اعلام کرد. ایالات متحد آمریکا این شرکت‌ها را در فهرست تحریم‌ها گنجانده است: شرکت China Concord Petroleum و دو واحد از یک شرکت کشتی‌رانی بزرگ چینی، شرکت‌های کشتی‌رانی (Dalian) Cosco Shipping Tanker و Cosco Shipping Tanker و Ship Management و Seaman. واشینگتن همچنین مدیران بالای این شرکت‌ها را تحریم کرد. مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا در یک سخنرانی در اجلاس سران «تحداد علیه ایران هسته‌ای» گفت: «ما به چین و همه کشورهای دیگر می‌گوییم: بدانید که ما هر گونه نقض تحریم‌ها را تنبیه می‌کنیم».

چین تحریم کردن این شرکت‌ها را محکوم کرد و از آمریکا خواست که تحریم‌ها را بازگرداند. گنگ شوآنگ (Geng Shuang) سخنگوی وزارت خارجه چین گفت: «واشینگتن حقوق برحق و منافع همه طرفین را نادیده می‌گیرد و از تحریم‌ها خودسرانه به عنوان سلاح استفاده می‌کند و بدین ترتیب همه هنجارهای بنیادین را در مناسبات بین‌المللی زیر پا می‌گذارد.»

برنامه نوین همکاری ایران و چین

در جون ۲۰۲۰، «برنامه جامع همکاری ایران و چین» وارد شبکه‌های اجتماعی شد. این سند ۱۸ صفحه‌ای که ظاهراً به بیرون درز کرده بود، موجب ترس در میان مردم و سیاستمداران ایرانی گردید، زیرا، به نظر منتقدان، چین از طریق قراردادهایی در حوزه‌های نفت، فناوری مخابرات و نظامی در صدد تعمیق روابط خود با ایران است. چین و ایران این سند را در مارس ۲۰۲۱ امضا کردند. ظریف با یک برگه یادداشت در دست در صدد برآمد که به منتقدان این معامله پاسخ بدهد. او تأکید کرد که این سند، «معاهده/پیمان» نیست و هیچ گونه تعهدی در سرمایه‌گذاری و حوزه امنیتی در نظر نگرفته است. همچنین یادآوری کرد که به ارتش چین هیچ تضمینی داده نشده که وارد ایران شود یا پایگاه نظامی بسازد.

با این وجود، مناسبات ایران با چین در مقایسه با تعامل پکن با سایر کشورها، مانند عربستان سعودی و امارت متحده عربی که رقبای اصلی ایران در منطقه به شمار می‌روند، همانچنان محدود خواهد ماند. طبق بررسی‌های لوسل گریر (Lucille Greer) و اسفندیار باتمانقلیچ، چین «با توجه به محدودیت‌های بازار داخلی ایران، تحریم‌های آمریکا و تنش‌های منطقه‌ای نشان داده که تمایلی به تعمیق تعهدات اقتصادی خود با ایران ندارد.»

آخرین مذاکرات میان ایران و چین چیز جدیدی نبود بلکه عملاً ادامه یک معامله قبلی یعنی «همکاری جامع/استراتژیک» بود که در سال ۲۰۱۶ امضا شد. این توافقنامه جدید نه همکاری نوینی میان طرفین ایجاد می‌کند و نه تغییری در توازن قدرت در خاور میانه بوجود می‌آورد. در زیر چکیده‌ای از توافقنامه را ملاحظه خواهید کرد. [من (بی‌نیاز) اصل توافقنامه به فارسی را برای دانلود در زیر همین مقاله گذاشتم تا خواننده نه فقط چکیده که بتواند همه آنها را مطالعه کند].